

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال پنجم، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۹۱
صفحات: ۳۰-۱
تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۹/۷

تحلیل گفتمانی نقش توهم توطئه و تأثیر آن بر توسعه نیافتگی سیاسی ایران معاصر

صلاح‌الدین هرسنی* / دکتر عبدالله قوام**

چکیده

در باب توسعه‌نیافتگی و مشخصاً توسعه‌نیافتگی سیاسی جامعه ایرانی دو رویکرد وجود دارد: رویکرد اول معطوف به عامل خارجی است که توسعه نیافتگی سیاسی را بر اساس نظریه استعمار و امپریالیسم و توهم توطئه و زیاده‌خواهی بیگانگان توضیح می‌دهد. رویکرد دوم معطوف به عامل داخلی است که ریشه توسعه‌نیافتگی سیاسی را در مشکلات داخلی، ناتوانی و بی‌کفایتی نظام سیاسی قلمداد می‌کند. نوشتار حاضر تلاش دارد که ضمن تبیین تحلیل روش گفتمان در مقدمه، نقش گفتمان توهم توطئه به عنوان وجهی از رویکرد نخست در توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران معاصر را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. فرضیه ای که مورد سنجش و آزمون قرار می‌گیرد آن است که گفتمان توهم توطئه با هدف قرار دادن فرهنگ سیاسی و تخریب آن، نظام سیاسی و اجتماعی ایران را از واقعیت‌های اصلی توسعه نیافتگی سیاسی دور می‌دارد.

کلید واژه‌ها

تحلیل گفتمان، توسعه‌نیافتگی سیاسی، فرهنگ سیاسی، فرهنگ ناسالم سیاسی، توهم توطئه.

s.harsani.k@gmail.com

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

s_a_ghavam@Hotmail.com

** عضو هیأت‌علمی و استاد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

مقدمه

به نظر می‌رسد که فضای سیاسی اجتماعی ایران از یک صد سال گذشته به این طرف، در مسیر توسعه سیاسی خود با چالش‌ها و موانع متعددی روبرو بوده است. در باب توسعه نیافتگی و مشخصاً توسعه نیافتگی سیاسی دو رویکرد وجود دارد: رویکرد اول معطوف به عامل خارجی است که توسعه نیافتگی سیاسی در ایران معاصر را بر اساس نظریه استعمار و امپریالیسم و توهم توطئه و زیاده‌خواهی بیگانگان توضیح می‌دهد. رویکرد دوم معطوف به عامل داخلی است که ریشه توسعه نیافتگی سیاسی را در مشکلات داخلی، ناتوانی و بی‌کفایتی نظام سیاسی قلمداد می‌کند. تحقیق حاضر تلاش دارد که ضمن تبیین تحلیل روش گفتمان در مقدمه، نقش گفتمان توهم توطئه به‌عنوان وجهی از رویکرد نخست در توسعه نیافتگی سیاسی ایران معاصر را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. فرضیه‌ای که مورد سنجش و آزمون قرار می‌گیرد آن است که گفتمان توهم توطئه با هدف قرار دادن فرهنگ سیاسی و تخریب آن، نظام سیاسی و اجتماعی ایران معاصر را از واقعیت‌های اصلی توسعه نیافتگی سیاسی دور داشته است.

گفتار اول: مبانی نظری تحقیق

الف) نظریه گفتمان و تحلیل پدیده‌های سیاسی

نوشتار حاضر در تقریر و نگارش خود از روش تحلیل گفتمان سود می‌جوید. تحلیل گفتمانی که بر پایه نظریه گفتمان مبتنی است، روش نوینی در تحلیل سیاسی تلقی می‌شود. امروزه بسیاری از پژوهشگران سیاسی از جمله محققان ایرانی، به تحلیل پدیده‌های سیاسی از طریق به کارگیری تحلیل گفتمان، اهتمام می‌ورزند. تحلیل گفتمان^۱ که امروزه به گرایشی بین رشته‌ای^۲ در علوم اجتماعی تبدیل شده است، ریشه در جنبش انتقادی، ادبیات، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، تأویل‌گرایی، هرمنوتیک گادامر، تبارشناسی و دیرینه‌شناسی میشل فوکو دارد (مک دائل، ۱۳۸۰: ۱۵۶). برای گفتمان تعاریف متفاوتی ارائه شده است که عبارتند از:

۱- گفتمان به بررسی سیستماتیک یک موضوع مشخص و نیز به فعالیت عقلی بر یک اساس منطقی و سازمان‌دهی شده، گفته می‌شود؛

1 - Discourse Analysis

2 - Interdisciplinary

- ۲- گفتمان به فرآیندی متشکل از مجموعه‌ای از فعالیت‌های عقلی جزئی و نیز به مجموعه‌ای از گفتارها گفته می‌شود که حول یک محور مشخص دور می‌زند؛
 - ۳- گفتمان زبان خاصی است که هرکسی با آن صحبت می‌کند و به وسیله آن در برابر دیگران موضع‌گیری می‌نماید؛
 - ۴- گفتمان نقطه تلاقی و محل گردهمایی قدرت و دانش است، گفتمان اساساً برخاسته از یک اراده معطوف به قدرت است و منجر به باز تولید مناسبات قدرت می‌شود؛
 - ۵- گفتمان بر اثر مجموعه‌ای از گفتارها البته در چهار چوب قدرت و دانش گفتمانی خاص شکل می‌گیرد و مسلط می‌شود و هر گفتاری هم باید در قالب آن ریخته شود تا فهم و درک گردد. گاهی یک گفتمان یا سخن آن قدر قوی و مسلط است که مانع از شنیدن گفتار و یا درک معنای زبان می‌شود؛
 - ۶- هیچ گفتمانی تا همیشه مسلط و حاکم و فراگیر نخواهد ماند، بلکه هر گفتمانی مربوط به فرهنگ و دورانی خاص از فضای سیاسی و اجتماعی، هستند (هوارث، ۱۳۵۷: ۱۸۳).
- روش تحلیل گفتمانی از نظر روش‌شناسی دارای ویژگی‌ها و خصوصیتی است که این روش را از دیگر روش‌های علوم اجتماعی متمایز می‌کند. به‌طور مثال در نظریه گفتمان، گسست گفتمان‌ها به‌عنوان یک مفروض تلقی می‌شود، در حالی که پیش‌فرض نظریه‌های تاریخی (همانند فلسفه هگل) تداوم تاریخ و عدم گسست آن‌هاست. تحلیل گفتمانی دارای نحله‌های گوناگونی است، به شکلی که استفاده از هر یک از آن‌ها به‌عنوان روش علوم اجتماعی نتایجی متمایز به همراه خواهد داشت. مهم‌ترین این نحله‌ها عبارتند از: نظریه گفتمان در زبان‌شناسی، نظریه گفتمان نورمن کلاف، نظریه گفتمان فوکو و نظریه گفتمان لاکلاو و موفه (فرکلاف، ۱۳۸۱: ۵۲).
- بنیان‌های فکری تحلیل گفتمان فراتر از تحلیل متن یا نوشتار^۱ یا تحلیل گفتار است. در تحلیل گفتمان تأکید بر این است که رابطه‌ای تعاملی بین متن^۲ و زمینه^۳ و رابطه تعاملی و دیالکتیکی بین گفتمان، قدرت، معرفت و حقیقت وجود دارد. در تحلیل گفتمان، مجموعه شرایط اجتماعی، زمینه وقوع متن یا نوشتار، گفتار، ارتباطات غیرکلامی و رابطه ساختار و واژه‌ها در گزاره‌های کلی نگریسته می‌شود. واژه‌ها هر کدام به تنهایی مفهوم خاص خود را دارا هستند، اما در شرایط وقوع و

1- Text Analysis

2- Text

3- Context

در اذهان گوناگون، معانی متفاوتی دارند. توصیف، تفسیر و تبیین بخشی از فرآیند تحلیل گفتمان هستند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۸).

روشی که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته نظریه گفتمان در زبان‌شناسی یا نظریه گفتمان فرکلاف نیست، بلکه محور اصلی بحث نظریه گفتمان ارنستو لاکلاو و شنتال موفه است که نظریه بسط یافته گفتمان فوکو و تبارشناسی وی است. لاکلاو و موفه روش‌شناسی را از نظر روش‌شناختی تعمیق و در حوزه علوم سیاسی بسط و گسترش دادند. ارنستو لاکلاو و شنتال موفه، تا حد زیادی وام‌دار میشل فوکو هستند. فوکو در روش‌شناسی خود به ترتیب سه دوره را گذارند: روش گفتمان و دیرینه‌شناسی (۱۹۵۴-۱۹۶۹)، برقراری رابطه عقیده و عمل با رگه‌های تبارشناسی (۱۹۷۰-۱۹۷۵) و بالاخره استفاده از روش بارشناسی به ویژه در شکل‌گیری مفهوم «خود» و جنسیت (۱۹۷۷-۱۹۸۴). گفتمان مجموع گزاره‌های به هم پیوسته است، چون گزاره‌ها مادی هستند و بنابراین، با شرایط و زمینه تاریخی و زمانی گره خورده‌اند. حکم اتم هر گفتمان است و چون شکل زبان‌شناسانه ندارد از نوع نشانه محسوب نمی‌شود، بلکه نوعی کنش کلامی است (Carrtte, 2000:123).

مهم‌ترین ویژگی‌های کنش کلامی عبارت است از: الف) شرط صدق و کذب را همراه خودشان دارند و بنابراین، نیاز به صدق در زمینه خاص ندارند؛ ب) درجه تکثیرشان در سطح جامعه زیاد است و به زودی بین افراد و آحاد جامعه منتشر می‌شوند؛ ج) پیامدهای اجتماعی جدی دارند؛ چرا که از سازوکارهای حذف و طرد برخوردار هستند. از دیدگاه فوکو، صورت‌بندی گفتمانی به مجموعه‌ای از ایده‌ها و مفاهیمی که مدعی تولید دانش در مورد جهان هستند، اشاره دارد (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۱۹۷). لاکلاو و موفه در نقد مارکسیسم جبر یک سویه اجتماعی را رد و به جای رابطه یک سویه زیربنا و روبنا، آن‌ها را با مفهوم هژمونی گرامشی ادغام می‌کنند. بنابراین، وجود طبقات اجتماعی و عینی نفی می‌شود (نفی عینیت‌گرایی). هدف لاکلاو و موفه در نقد مارکسیسم رسیدن به رادیکال دموکراسی است. براساس این نظریه، انسان‌ها در شرایط خاصی در موقعیت سوژگی قرار می‌گیرند. پس این گفتمان است که انسان‌ها را در موقعیت سوژگی قرار می‌دهد. آن‌ها این ویژگی را موقعیت‌گذاری می‌نامند. شخصیت سوژه تکه‌تکه است، نه یکپارچه، بنابراین، خود سوژه واقعیت افسانه‌ای بیش نیست. از دیدگاه لاکلاو هر سوژه، سوژه‌ای افسانه‌ای است. مقصود از افسانه، فضای بازنمایی است که هیچ‌گونه رابطه تداوم با عینیت ساختاری، سلطه ندارد. سوژه حالت استعاری دارد؛ چون که ارتباط منطقی بین

گفتمان و بی‌قراری وجود ندارد. هر جامعه نیازمند اسطوره است. جامعه‌ای که اسطوره ندارد یا قبرستان است، یا تیمارستان. هر چه فضای اسطوره‌ای وسیع‌تر شود، حوزه عمل سوژه بیشتر می‌شود (Ibid:61-64).

طبق نظریه گفتمان ارنستو لاکلاو و شنتال موفه، ارائه تحلیل گفتمان با مؤلفه‌هایی چون: مفصل بندی، دال مرکزی، هژمونی، سوژه یا فردیت و یا عاملیت، غیریت و یا ضدیت صورت می‌گیرد:

۱- مفصل‌بندی: مفصل بندی به کار گردآوری اجزای گوناگون و ترکیب آنها در یک هویت جدید اشاره دارد؛

۲- دال مرکزی: دال مرکزی نشانه ممتازی است که نشانه‌های دیگر حول آن انسجام می‌یابد.

۳- هژمونی: هژمونی یک گفتمان مبتنی بر انسجام معنایی دال‌های دیگر حول دال مرکزی است، در صورتی که یک گفتمان موفق شود، با اتکا بر دال مرکزی خود مدلول‌های مد نظر خود را به دال‌های گفتمانی‌اش نزدیک کند، آن گفتمان هژمونیک می‌شود. اما در صورتی که گفتمان رقیب بتواند به کمک سازوکارهای مختلف، این نظام معنایی را شالوده شکنی کند و ساختارهای معنایی شکل گرفته در ذهنیت جمعی مردم را در هم بریزد، آنگاه این گفتمان هژمونی‌اش را از دست می‌دهد. بنابراین، موفقیت گروه‌های سیاسی به توانایی‌شان برای تولید معنا، بستگی دارد؛

۴- سوژه یا فردیت یا عاملیت: این مفهوم از مفاهیم کلیدی نظریه گفتمان است. سوژه همواره در میان گفتمان‌های مختلف در پی یافتن خویش است. سوژه خود را به واسطه یک چیز خارجی می‌شناسد و این چیز در نظریه گفتمان همان موقعیت‌های سوژه است که گفتمان‌ها آن را فراهم می‌آورند؛

۵- غیریت و یا ضدیت: غیریت در تحلیل گفتمان، به گفتمان‌های رقیب گفته می‌شوند. قواعد بازی حاکم بر گفتمان حاکم با گفتمان رقیب، مبتنی بر حاصل جمع جبری صفر خواهد بود (Ibid:61-64).

از اندیشمندان و نظریه‌پردازانی چون: زلیک هریس، بول و براون، شیفرین و استابز، تیم دان، وان دیک، میشل فوکو، ارنستو لاکلاو، شنتال موفه به نظریه پردازان اصلی گفتمان یاد می‌کنند. این روش تحلیلی در ایران مورد توجه محققان و پژوهشگران مسایل سیاسی از جمله محمدرضا تاجیک و سید صادق حقیقت، قرار گرفته است (سلطانی، ۱۳۸۸: ۲۷).

ب) به سوی یک نظریه مفهومی از توسعه سیاسی

توسعه سیاسی به عنوان فرایندی ضروری در آغاز هزاره سوم میلادی از مباحث قابل تأمل در کشور ما محسوب می‌شود. زیرا جامعه بشری در قرن بیستم، فرایند گذار از سنت به مدرنیسم را تجربه کرده و توسعه سیاسی الزاماً از نتایج این تجربه و تحول بوده است.

در تعریفی که از سوی اندیشمندان علوم اجتماعی و مشخصاً علوم سیاسی از توسعه سیاسی به عمل آمده است، گفته شده که توسعه سیاسی فرایندی است که زمینه لازم را برای نهادی کردن تشکل و مشارکت سیاسی فراهم می‌کند که حاصل آن افزایش توانمندی یک نظام سیاسی است. در فرآیند توسعه سیاسی بر فرهنگ سیاسی سالم، کارآیی و ظرفیت‌های نظام سیاسی برای انجام سیاست‌های عمومی، پیشی گرفتن الگوهای رفتاری نوین بر الگوهای سنتی در رفتار سیاسی، بر مؤلفه‌های دموکراسی مانند نظام‌های چند حزبی، رقابت‌های انتخاباتی، ثبات سیاسی، و پرهیز از تنش در ساختار سیاسی و گسترش جامعه مدنی تأکید می‌شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸: ۴۹). در فرآیند توسعه سیاسی بر فقدان مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ناسالم، مؤلفه‌هایی مانند: فرهنگ آمریت و تابعیت، قانون‌گریزی، ترس از قدرت، انقیاد طلبی، تقلید و خرد ناورزی، اسطوره سازی و اسطوره شکنی تأکید می‌شود (ازغندی، ۱۳۸۵: ۷۶). در ابعاد دیگر در فرآیند توسعه سیاسی بر متغیرهایی چون: عقلانیت، دانش محوری، دموکراسی، آزادی اقتصادی، نگرش حقوقی به انسان، ساختار نظام سیاسی دو جانبه یا دموکراتیک، ساختار سالم نظام اقتصادی، ساختار سالم نظام اجتماعی، انفکاک ساختاری و تفکیک ساختارهای نهادی و عدم بحران‌های نظام سیاسی مورد نظر پای (مشارکت، مشروعیت، کارآمدی، نفوذ، توزیع) تأکید می‌شود (زیباکلام، ۱۳۸۶: ۵۲). طبیعی است که فقدان هر یک از این مؤلفه‌ها در یک ساختار نظام سیاسی موجب توسعه‌نیافتگی سیاسی می‌گردد.

با توجه به تعریف به عمل آمده از توسعه سیاسی، این وجه از توسعه در تحقق خود نیازمند شرایط و استلزام است. برخی از اندیشمندان دانش سیاسی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ قرن بیستم همانند هانتینگتون و نلسون توسعه اقتصادی را شرط لازمی برای توسعه سیاسی دانستند. طبق باور هانتینگتون و نلسون؛ اگر هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف ناپذیری به انعطاف‌پذیری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت به میزانی از توسعه سیاسی دست خواهد یافت (قوام، ۱۳۸۸: ۱۵). برخی مانند لوسین پای، توسعه سیاسی را متضمن عبور نظام سیاسی از بحران‌هایی چون: هویت،

مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع دانسته‌اند (همان: ۱۷). برخی دیگر مانند آلموند و پاول، مصلحت‌گرایی، فعالیت‌های دسته‌جمعی و میثاق با نظام سیاسی را شرط لازم توسعه سیاسی دانسته‌اند (همان: ۱۸).

اما در مراحل بعد و مشخصاً از دهه ۶۰ قرن بیستم مفهوم توسعه سیاسی به نحوی از انحا با مقوله فرهنگ سیاسی گره خورد. در این دهه نظریه‌پردازانی چون: گابریل آلموند، پاول، جیمز کلمن، سیدنی وربا، لوسین پای و تالکوت پارسونز، فرهنگ سیاسی را زمینه‌ساز توسعه سیاسی تلقی کردند. فرهنگ سیاسی به باور این نظریه‌پردازان عبارتند از یک سلسله ایستارها، اعتقادات و عناصری است که به نظام سیاسی و اجتماعی معنی می‌بخشند. آلموند و وربا بر طبق ضوابط مزبور، به سه نوع فرهنگ سیاسی بر خورد می‌نمایند که عبارتند از فرهنگ‌های محدود، تبعی و مشارکتی. در این میان آلموند و وربا در بررسی‌های خود در مورد پنج کشور انگلستان، آلمان، آمریکا، ایتالیا و مکزیک بدین نتیجه می‌رسند که علت عمده توسعه‌نیافتگی سیاسی در کشورهای جهان سوم مربوط به مسائل روانی، تاریخی و فرهنگی است. آنچه مسلم است در تعیین فرهنگ سیاسی و فرهنگی که به نحوی از انجا بتواند به توسعه سیاسی کمک نماید، عوامل بسیار زیادی چون: شرایط تاریخی، جغرافیایی، ساختار اقتصادی، اجتماعی، سنت‌های سیاسی، آداب و رسوم و جامعه‌پذیری سیاسی دخالت دارند که تأثیر گذاری هر یک از عوامل مزبور در جوامع گوناگون به یک نسبت و صورت نیست (همان: ۱۹-۱۸).

از میان استلزاماتی که برای توسعه سیاسی در نظر گرفته شده است، به نظر می‌رسد که فرهنگ سیاسی توسعه یافته و سالم، نقش زایدالوصفی برای توسعه سیاسی ایفا می‌کند. به عبارت دیگر فرهنگ سیاسی شرط اصلی و بستر ساز توسعه سیاسی و نظام‌های سیاسی به مدد آن می‌توانند به مطلوبیت‌های مورد نظر خود در مقولاتی چون توسعه اقتصادی، توسعه و تغییر اجتماعی نایل شوند. در تعریف فرهنگ سیاسی گفته شده است که فرهنگ سیاسی به سمت‌گیری‌ها، ارزش‌ها، باورها و ایستارهای سیاسی افراد نسبت به نظامی سیاسی گفته می‌شود که در آن زندگی می‌کنند. فرهنگ گرایان متأخر، فرهنگ‌گرایانی چون: مالینفسکی، کلیفورد گیرتز، گی روشه و استانلی هوفمن فرهنگ را بر سیاست مقدم می‌دانند. آموزه‌های آنان تحت عنوان گفتمان فرهنگی عاملی برای تحولات اجتماعی علی‌الخصوص توسعه سیاسی است (همان: ۱۸).

به این ترتیب اگر بتوان گفتمان فرهنگ سیاسی را با شاخصه‌هایی چون: ایستارها، الگوها، ارزش‌ها، سمت‌گیری‌ها، شرط لازم و اصلی برای توسعه سیاسی دانست، فقدان آن و اساساً نقش

کم رنگ آن در یک جامعه سیاسی و مشخصاً برای نظام سیاسی کشورهای جهان سوم، می‌تواند عاملی برای توسعه‌نیافتگی سیاسی باشد. طبق تحلیل روش گفتمان، توسعه سیاسی با توجه به مؤلفه‌ها و متغیرهای موجود دخیل در خود، خصلت گفتمانی دارد، چرا که دال‌های گوناگونی را حول محور خود معطوف ساخته است. در این راستا، از تمامی مؤلفه‌های موجود و دخیل در امر توسعه سیاسی، می‌توان از دال‌های شناور نام برد که حول محور دال مرکزی یعنی فرهنگ سیاسی گرد آمده‌اند. به عبارت دیگر، فرهنگ سیاسی را باید دال مرکزی گفتمان توسعه سیاسی دانست که دال‌های شناور این گفتمان حول آن می‌چرخند. بنابراین با قلمداد کردن فرهنگ سیاسی به‌عنوان دال مرکزی در گفتمان توسعه سیاسی، خود نیز در ابعاد گسترده‌تر خصلت گفتمانی می‌یابد و گفتمان توسعه سیاسی را در دل خود جای می‌دهد. به این ترتیب گفتمان فرهنگ سیاسی که به وسیله سازه‌های دانایی که متأثر از ارزش‌ها، سمت‌گیری‌ها، الگوها و ایستارهای یک جامعه سیاسی است، تولید قدرت می‌کند و وضعیت هژمونیک به خود می‌گیرد.

برای فضای سیاسی اجتماعی کشوری چون ایران، فرهنگ سیاسی، شرط لازم و اساسی برای توسعه سیاسی است. قراین و شواهد نشان می‌دهند که حتی فرهنگ سیاسی در فضای سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب نیز بستر ساز سایر مقولاتی از جمله توسعه و تغییر اجتماعی، توسعه اقتصادی و مآلاً توسعه سیاسی است. اما این نکته در خور بیان است که، فقدان گفتمان فرهنگ سیاسی حتی برای کشورهای جهان سوم امری مفروض نیست، اساساً این فقدان و نقش تخریبی آن، ناشی از آسیب‌ها، سمت‌گیری‌ها و نگرش‌های تقابلی گفتمان رقیب است که فرهنگ سیاسی را مورد هدف قرار می‌دهد. در این راستا آنچه به عنوان یک فرهنگ نوظهور توانسته است دال مرکزی گفتمان توسعه سیاسی یعنی فرهنگ سیاسی را مورد هدف قرار دهد، و نقش آن را کم رنگ و مآلاً جانشین آن گردیده است، گفتمان توهم توطئه می‌باشد که بسیاری از کشورهای جهان سوم و مشخصاً ایران مبتلا به عارضه آنند. اساساً گفتمان توهم توطئه در فضای سیاسی و اجتماعی ایران معاصر، با توسل و استعانت به سازه‌های دانایی در طول تاریخ معاصر ایران و مآلاً تولید قدرت در موازات فرهنگ سیاسی حرکت کرده است و سمت‌گیری‌های آن به عنوان گفتمان رقیب برای به سلطه گرفتن فرهنگ سیاسی سالم، توأم با تقابل و چالش بوده است. حال باید دانست که گفتمان توهم توطئه چیست، دال‌های کدامند

سازه‌های دانایی و وضعیت هژمونیک و تولید قدرت آن چگونه صورت می‌گیرد که برآیند آن موجب توسعه‌نیافتگی سیاسی است؟

گفتار دوم: تحلیل گفتمان توهم توطئه و نقش آن در توسعه‌نیافتگی سیاسی

گفتمان توهم توطئه^۱ روشی تبیینی و ذهنی است که بر اساس آن وقایع و حوادث مختلف با توجه به یک عامل عمده یعنی توطئه تجزیه و تحلیل می‌شود و به علل و عوامل دیگر در وقوع رخدادها و حوادث توجهی نمی‌کند (غفاری، ۱۳۸۴: ۱۳). به عبارت دیگر تئوری توطئه، چارچوب و پارادایمی از تجزیه و تحلیل وقایع، حوادث و پدیده‌های حیات بشری است که طبق آن تنها عامل موثر و رقم زننده سرنوشت این گونه وقایع و حوادث در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره، دست‌های پنهان، اقدامات و نقشه‌های پلید و غالباً مخفیانه و غیر واقعی توطئه‌گران اعم از قدرت‌ها و کشورهای بزرگ برخی افراد و گروه‌ها انجمن‌های پنهانی و کانون‌های توطئه‌گر است که برای رسیدن به اهداف شوم خود در تلاش و تکاپو هستند (همان: ۱۳).

گفتمان توهم توطئه که منشأ تولید دانش و قدرت خود را از مکانیسم‌ها و سازه‌های دانش توطئه محوری در تاریخ سیاسی و اجتماعی معاصر اخذ کرده است، توجه اصلی کارگزاران ایران معاصر را از واقعیت‌های اصلی توسعه‌نیافتگی سیاسی که بر رویکرد داخلی و گفتمان نگاه به خویشتن تکیه دارد، دور نموده است.

دال‌های که در پیرامون گفتمان توهم توطئه قابل مفصل بندی‌اند عبارتند از دال‌های شناور و دال مرکزی. در این میان از مقولاتی چون: ترادفات توهم توطئه، انواع توطئه، خصوصیات توطئه‌گران به دال‌های شناور نام برد که حول محور دال مرکزی که همان اهداف توطئه باوری است، قرار گرفته‌اند. وجود این گونه دال‌ها مفصل بندی شده در کنار سازه‌های دانایی که تولید قدرت می‌کنند، به توهم توطئه خصلت گفتمانی می‌دهد.

الف) تعاریف دال‌های شناور در گفتمان توطئه

۱- ترادفات توطئه

در منابع و آثاری که به تئوری توطئه پرداخته‌اند مترادف‌هایی از این قبیل برای آن بیان شده است که عبارتند از: طرح پنهانی^۱، توطئه چینی^۲، تبانی^۳، دسیسه^۴، گروه توطئه‌گر^۵، سبک پارانویدی، توطئه اندیشی یا توطئه باوری، ذهنیت توطئه اندیش، دست پنهان، توطئه‌گرایی و گفتمان دایی جان ناپلئون، عمال خارجی، جاسوس، خطر بیگانگان، دشمن، خائن، سر سپرده، وابسته، اسرار، مهره، نقشه، عروسک، آلت دست، پشت پرده، پشت صحنه، نوکران استعمار، امپریالیسم، ستون پنجم، عوامل نفوذی، روباه مکار، دست پنهان، مزدور، بیگانه، کار کار انگلیس است، دست انگلیسی‌ها و (Pipes, 1998: 9).

۲- انواع توطئه

توطئه‌ها به‌طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از:
(۱) توطئه‌های کوچک: که به دنبال رسیدن به امری کوچک و تحقق خواست‌های شخصی مانند رسیدن به قدرت، کسب ثروت و نظایر آن هستند (Pigden, 1993: 4).
(۲) توطئه‌های بزرگ: که به دنبال اهداف بزرگ و گسترده‌اند و در پی ایجاد تغییر و تحول اساسی و ساختاری مانند نابودی یک قوم یا مذهب یا تغییر یک نظام سیاسی و نظایر آن هستند. این گونه توطئه‌ها در مقیاسی وسیع از جانب افراد، گروه‌ها، کانون‌ها، حکومت‌ها و کشورهای توطئه‌گر خوانده می‌شوند، در داخل کشورها و در سطح و ابعاد بین‌المللی برای رسیدن به اهداف و مقاصد خاصی به ضرر دیگران به کار گرفته می‌شوند و در این باره شیوه‌ها، ابزارها و انگیزه‌های مختلفی دخیل هستند (Ibid: 4).

۳- خصوصیات توطئه‌گران

توطئه‌گران دارای خصوصیتی از قبیل شیطان صفتی، مکاری، حيله‌گری، اقتدار، قدرتمندی، توانایی در دور اندیشی و طراحی و هدایت نقشه‌های پیچیده هستند. آنها با انگیزه‌های مختلف به توطئه چینی و توطئه‌گری می‌پردازند. توطئه‌گران برای رسیدن به اهداف

1- Plot
2- Machination
3- Collusion
4- Intrigue
5- Cabal

شوم خود به شیوه‌ها و ابزارهای توطئه آمیز از قبیل کشتار، نسل‌کشی، غارت و چپاول، خدعه و نیرنگ، جنگ و آشوب، ایجاد و گسترش بیماری‌های واگیر، قحطی و گرسنگی، بحران‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و غیره متوسل می‌شوند (گارودی، ۱۳۷۸: ۵۶).

ب) تعریف دال مرکزی در گفتمان توهم توطئه

دال مرکزی در گفتمان توهم توطئه، همان اهداف توطئه باوری است. تئوری توطئه ناظر بر تحقق اهداف زیر است:

۱- توجیه ضعف‌های داخلی و کاستن از انتقادات: با وجودی که در برخی مواقع واقعاً توطئه موجب ناکامی در تحقق بعضی از اهداف می‌شود، اما عمدتاً علت ناکامی‌ها ریشه در مشکلات و ناتوانی‌های داخلی دارد. لیکن تمایل سیاستمداران و مردم این است که آنها را به توطئه‌های بیگانگان نسبت دهند (ازغندی، ۱۳۸۵: ۸۵).

۲- ساده کردن تحلیل مسایل و ایجاد حالت اقتناع: تحلیل و تبیین پدیده‌های اجتماعی و رخدادهای سیاسی امری پیچیده و نیاز به ذهنی اندیشمند دارد. با نسبت دادن ناکامی‌ها به بیگانگان هم امر تحلیل و هم درک آن برای عامه ساده تر می‌شود.

۳- ایجاد نفرت روانی از مخالفین و رقبا: با توجه به جو غالب که در جامعه علیه بیگانگان وجود دارد، به سادگی می‌توان اندیشه‌ها، جریانات و شخصیت‌های مختلف را با منسوب نمودن آنان به بیگانگان یا جیره خوار انگلیس یا آمریکایی نامیدن، آنها را سرکوب کرد و بین آنها و مردم نوعی فضای عدم اعتماد به وجود آورد (همان: ۸۵).

ج) منشأ سازه‌های دانایی و تولید قدرت در گفتمان توهم توطئه

طبق نظر ارنست لاکلاو، موفه و فوکو، کار ویژه اصلی نظریه گفتمان، ایجاد دانش و سپس تولید قدرت است. ایجاد دانش در این فرآیند به وسیله سازه‌های دانایی و دیالکتیک زبان و محتوا صورت می‌گیرد که مآلاً منجر به تولید قدرت می‌شود. حال باید دانست که نظریه توهم توطئه به‌عنوان یک رویکرد گفتمانی در فرهنگ سیاسی ایران، منشأ دانایی و مآلاً تولید قدرت را از چه مکانیسم‌ها و سازه‌هایی اخذ می‌کند. این نکته گفتنی است که وقتی نظریه توهم توطئه با توسل به سازه‌های دانایی و دال‌های مفصل بندی شده، ایجاد دانایی و سپس تولید قدرت می‌کند، تبدیل به گفتمان رقیب می‌گردد. کار ویژه این گفتمان نوظهور، تولید فرهنگ سیاسی جدید است که فرهنگ سیاسی سالم و غالب جامعه که از استلزامات لازم و اصلی

توسعه سیاسی است را مورد هدف قرار می‌دهد و آن را ساخت شکنی می‌کند. نکته دیگر آنکه در این جاست که این فرهنگ سیاسی جدید با توهم توطئه باوری، در برابر ضدیت و رقیب خود که همان گفتمان نگاه به خویشتن است، قرار می‌گیرد و با بازتولید خود از نقش گفتمان نگاه به درون در امر توسعه‌نیافتگی سیاسی می‌کاهد و بر نقش زایدالوصف خود در امر توسعه‌نیافتگی سیاسی می‌افزاید.

نقش چهار دسته عوامل را می‌توان برای سازه‌ها و ایجاد دانایی و سپس تولید قدرت در گفتمان توهم توطئه در نظر گرفت که قابلیت مفصل‌بندی دارند. در این میان دسته اول عامل ایجاد دانایی و سازه‌های دانش مربوط به آثار نظریه پردازان توهم توطئه است که فرهنگ سیاسی کشورهای جهان سوم قادر نبوده‌اند از جاذبه تأثیر آن در توجیه توسعه‌نیافتگی سیاسی دور بمانند. دسته دوم عامل ایجاد دانایی مربوط به مثلث ایجاد توطئه (امپریالیست‌ها، صهیونیست‌ها و فراماسونرها) است. دسته سوم عامل ایجاد دانایی مربوط به خاستگاه‌های توطئه باوری (روانشناختی، جامعه‌شناختی و سیاسی) دانست. دسته چهارم عامل ایجاد دانایی مربوط به آثار نویسندگان داخلی در طول تاریخ سیاسی اجتماعی معاصر ایران است که مبنای سازه دانایی و تولید قدرت در گفتمان توهم توطئه آن هم برای هدف قرار دادن و تخریب فرهنگ سیاسی شده است. بنابراین سازه‌های ایجاد دانش و تولید قدرت با جمع این عوامل و سازه‌های دانش مربوط به آنان تمهید یافته است و بی‌شک گفتمان توهم توطئه را باید برآیند منطقی آن دانست.

۱- دسته اول سازه‌های دانش در شکل‌گیری گفتمان توهم توطئه

آن چنانکه گفته شد دسته اول عامل ایجاد دانایی و سازه‌های دانش، مربوط به آثار نظریه پردازان توهم توطئه است که مفصل‌بندی شده‌اند. در این زمینه نظریه‌پردازانی چون: هافستادر، دانیل پاپیز، چارلز پیگدن، پوپر، زونیس و جوزف، تعاریف خاصی را در باب توهم توطئه اراده داده‌اند به این معنی که تلاش نظری آنان منشأیی برای سازه دانایی و تولید قدرت در گفتمان توهم توطئه شده است.

۱-۱- تعریف هافستادر از توطئه

گفته شده است که ریشه مطالعات مربوط به تئوری توطئه به مقاله کلاسیک مورخ پر آوازه آمریکایی ریچارد هافستادر بر می‌گردد که آن را در سال ۱۹۵۲ با عنوان «سبک پارانویدی در سیاست آمریکا» نوشت و از تئوری توطئه به عنوان سبک و شیوه تجزیه و تحلیل حوادث و

مسائل تاریخی یاد کرد. به گمان‌هافستادر، منادیان این سبک در همه کارها میل به اغراق دارند و به همه چیز به دیده شک می‌نگرند و خیالات وهم انگیز می‌یافتند. این مقاله‌هافستادر با گذشت زمان جای خود را در میان منابع و مطالعات مربوط به تئوری توطئه باز کرد و سایر نویسندگان نیز به اشکال مختلف از الگوی تحلیل و تبیین او در بررسی این پدیده استفاده کردند (Hofstadter, 1965: 3-14).

به نظر‌هافستادر، نیروهای دست راستی در آمریکا در طی تاریخ همیشه گمان کرده‌اند که به کام توطئه ای بین‌المللی رانده می‌شوند. به نظر او در سبک پارانویدی سیاست آمریکایی در قرن نوزدهم توطئه گران و عاملان اصلی این توطئه‌ها، فراماسون‌ها و کاتولیک‌ها دانسته می‌شدند، اما در نیمه سده بیستم جای خود را به یهودها، کمونیست‌ها و مأموران داخلی آنها داده‌اند (Ibid: 3-14).

۱-۲- تعریف دانیل پایپز از توطئه

دانیل پایپز در تعریف توطئه می‌گوید که یک توطئه شامل دو یا چند نفر توطئه گر است که با یکدیگر و به صورت پنهانی به دنبال دستیابی به هدفی ممنوعه و غیر قانونی هستند. او تئوری توطئه را آن برداشت ذهنی از توطئه قلمداد می‌کند که وجود خارجی ندارد. پایپز از تجزیه و تحلیل مبتنی بر توطئه باوری به عنوان روشی یاد می‌کند که مهم‌ترین عامل در تبیین وقایع و حوادث جهان اهمیت دادن به نقش توطئه گران در آنهاست (Pipes, 1998: 10).

۱-۳- تعریف چارلز پیگدن از توطئه

به نظر چارلز پیگدن توطئه طرحی مخفیانه از سوی گروهی از مردم است تا بتوانند از طرق اقدامات غالباً پنهانی و نهان خود بر حوادث و رخدادها تأثیر بگذارند. به نظر پیگدن توطئه همواره در حوزه سیاست در معرض سوء ظن و بد گمانی قرار دارد (Ibid: 4).

۱-۴- تعریف پوپر از توطئه

برداشت و تعبیر کارل ریموند پوپر درباره توری توطئه به این شکل است که طبق تحلیل‌های توطئه باورانه هر چه در اجتماع اتفاق می‌افتد، نتایج مستقیم نقشه‌هایی است که

افراد یا گروه‌های نیرومند طرح ریزی کرده‌اند. به نظر پوپر، این گونه تبیین‌ها گسترش زیادی پیدا کرده است و او تئوری توطئه را گونه ای ابتدایی از خرافه می‌داند. پوپر ادامه می‌دهد که تئوری توطئه در شکل جدید آن، نتیجه بر جسته دنیوی شدن خرافه‌های دینی است. باور داشتن به خدایان هومری که توطئه‌های آنها مسؤول تقلبات جنگ‌های تروا بوده است، اکنون از میان رفته است ولی جای خدایان ساکن کوه اولیمپوس هومری را اکنون ریش سفیدان دانی کوه صهیون یا صاحبان انحصارها یا سرمایه داران یا استعمار گران گرفته‌اند (پوپر، ۱۳۶۳: ۴۲۵).

۱-۵- تعریف زونیس وجوزف از توطئه

زونیس وجوزف تئوری توطئه را الگویی از استدلال و تجزیه و تحلیل در باره جهان، پدیده‌ها و حوادث مختلف آن می‌دانند که عنصر اصلی و موثر در این تبیین‌ها و نگرش‌ها تاکید بر عامل توطئه است. به نظر آنان تئوری توطئه متشکل از چهار عنصر اصلی است که عبارتند از:
(۱) گردهمایی تعدادی از بازیگران؛ (۲) توافق پنهانی؛ (۳) رسیدن به یک هدف مخفیانه؛ (۴) هدف غیر قانونی و پلید (Zonis, 1994: 444).

۲- دسته دوم سازه‌های دانش در شکل‌گیری گفتمان توهم توطئه

آن چنانکه گفته شد دسته دوم عامل ایجاد دانایی و سازه‌های دانش، مربوط به مثلث ایجاد توطئه است که در قالب: امپریالیست‌ها، صهیونیست‌ها و فراماسونرها قابل مفصل بندی‌اند. این مثلث با سازه‌های مخصوص به خود، نقش زایدالوصفی را در ایجاد توهم توطئه ایفا می‌کند.

۲-۱- امپریالیست‌ها

منظور از امپریالیست‌ها کسانی هستند که به دنبال گسترش سلطه و نفوذ خود هستند و برای رسیدن به اهداف و منافع خویش در سایر مناطق و کشورهای دنیا به دنبال اعمال سلطه و قدرت می‌گردند و در این زمینه از شگردها و ابزارهای مختلف استعماری بهره می‌گیرند. در فرهنگ سیاسی عربی و ایرانی امپریالیست‌ها شامل کشورهایمانند انگلستان، روسیه، فرانسه و در نیم قرن اخیر بیشتر ایالات متحده آمریکا است. بیشترین نقش توطئه‌گری را قدرت‌های خارجی بزرگی نظیر انگلیس و آمریکا به‌دلیل پیشینه و سابقه گسترده توطئه‌ها و دسیسه‌های واقعی در خاورمیانه به خود اختصاص داده‌اند. از سوی دیگر در بین گروه‌ها و کشورهای چپ

گرا برخی کانون‌ها و محافل سرمایه‌داری غرب مانند شورای روابط خارجی آمریکا، کمسیون سه جانبه در معرض اتهام توطئه‌گری هستند (اسکلار، ۱۳۶۹: ۲۰-۱۹).

۲-۲- صهیونیست‌ها

صهیونیست‌ها و یهودی‌ها نیز از جمله توطئه‌گران در تئوری توطئه بین‌المللی و منطقه خاورمیانه هستند. صهیونیسم در قاموس خاورمیانه یعنی اینکه یهودیان بر اساس برنامه و نقشه‌ای دقیق و متمرکز به دنبال ایجاد دولت بزرگ اسرائیل و تبدیل آن به مهم‌ترین قدرت دنیا هستند. یهودیان از دیر باز و به‌طور گسترده در جوامع مختلف متهم به توطئه‌گری بوده‌اند. آنان به ایجاد اغتشاش، بحران اقتصادی، طاعون، گرفتن خون از فطیر و ده‌ها جنایت دیگر متهم شده‌اند. صهیونیست‌ها به خاطر عملکرد فاجعه آمیز و توأم با توطئه‌های واقعی خود اعم از ترور و قتل عام فلسطینیان، جایگاه خاص را در تئوری‌های توطئه خاورمیانه به خود اختصاص داده‌اند. اساس و مبنای تکوین و گسترش هرچه بیشتر تحلیل‌های مبتنی بر توطئه باوری در باره صهیونیسم و یهودی‌ها مبتنی بر انتشار کتابی در اوایل قرن بیستم با عنوان پروتکل‌های شیوخ صهیون یا عناوینی مشابه است. این پروتکل‌ها شامل ۲۴ بند است که در صحت اصالت آنها تردید وجود دارد. روزه گارودی که منتقد سیاست‌های اسرائیل است، این پروتکل‌ها را جعلی و ساختگی دانسته است. در این پروتکل‌ها آمده است که گروهی از رهبران یهودی دور هم جمع شده‌اند و تصمیم دارند با توطئه‌های خود کنترل جهان را در دست گیرند. نشانگان بارز ایجاد توهّم توطئه به وسیله صهیونیسم و یهود، در دوران رضا شاه نمود یافته است. مثلاً گفته شده است که پدران و اجداد چند تن از افراد کابینه رضا شاه از یهودیان جدید الاسلامند. از سوی دیگر، گفته شده است که سر ریدر بولارد چند وزیر کابینه محمد علی فروغی را یهودی الاصل می‌دانست. در بعد دیگر، گفته می‌شود که هفته نامه شماره ۴۳ ایران باستان، تعطیل شدن یکی از اعیاد ایران در مدارس یهودیان را ناشی از توهّم یهودی دانسته است (گارودی، ۱۳۶۴: ۲۲).

۲-۳- فراماسونرها

یکی دیگر از محافل و کانون‌هایی که نقش توطئه‌گری در تحلیل‌ها و تبیین‌های مبتنی بر توطئه باوری در سطح جهانی ایفا می‌کند و در کشورهای مختلف اعضای آن در معرض اتهام

توطئه‌گری قرار دارد، تشکیلات فراماسونری است. ریشه و اساس پیدایش آنها چندان معلوم نیست، اما ابتدا به عنوان یک گروه صنفی معماری و بنایی در لندن فعالیت می‌کردند و بعد به کشورهای اروپایی و آمریکا گسترش پیدا کردند. این گروه با پیدایش عصر روشنگری و رنسانس شکل نوینی یافتند و به تدریج به صورت یک تشکیلات و محفل سیاسی روشنفکری در آمدند و در سطح جهانی فعالیت خود را گسترش دادند. به اعتقاد برخی، فراماسونری نوین نهادی برخاسته از تمدن بورژوازی دو رویه غرب است که به عنوان ابزار در خدمت اهداف استعماری آن فعال است. اعتقاد به نقش توطئه‌گری فراماسونرها در تئوری‌های توطئه کشورهای مختلف جهان در حد وسیعی وجود دارد. در ایران به لژها و دوره‌ها و مجمع آدمیت و ملکم خان به تشکیلات فراماسونری نام برده‌اند. از مصادیق بارزی که توطئه باوری را به فراماسونرها نسبت می‌دهد، باید از دیدگاه شخص شاه ایران و یکی از نخست وزیرانش به نام جعفر شریف امامی نام برد. مثلاً محمد رضا شاه ایجاد قیام ۱۵ خرداد را به توطئه فراماسونرها نسبت می‌دهد. جعفر شریف امامی در دوران نخست وزیری خود، نقش خاصی را برای فراماسونرها در ایجاد جریان‌های انقلابی قائل است (حائری، ۱۳۶۸: ۲۶-۲۵).

۳- دسته سوم سازه‌های دانش در شکل‌گیری گفتمان توهم توطئه

دسته سوم عامل ایجاد دانایی و سازه‌های دانش، مربوط به خاستگاه‌های توطئه باوری است که در سه وجه روانشناختی، جامعه‌شناختی و سیاسی نمود می‌یابند و مفصل بندی می‌شوند.

۳-۱- خاستگاه روانشناختی توطئه باوری

روان‌شناسان و روانکاوان توطئه باوری را بیشتر به انسان‌هایی نسبت می‌دهند که دچار حالات پارانویدی و توهم آمیز هستند. به نظر آنان حالات توهمی در برخی افراد مبتنی بر بی‌اعتمادی، بدگمانی و سوءظن نسبت به دیگران بوده و ناشی از نگاه و تفسیر بدبینانه آنان نسبت به پدیده‌های و دنیای پیرامونشان است. این گونه انسان‌ها با روی آوردن به یک رشته خیالات بیهوده و نسبت دادن سوءظن‌ها و بدگمانی‌های خود به دیگران، زمینه را برای پذیرش توطئه باوری فراهم می‌کنند (Robins, 1997: 3-4). این گونه افراد با فرافکنی در صدد ایجاد نوعی همبستگی سیاسی و اجتماعی با هدف سرپوش گذاشتن به مشکلات خویش هستند. چنین توهمی بیشتر در گروه‌هایی چون: بنیادگرایان مذهبی شامل یهودی، مسیحی و مسلمان،

تحلیل گفتمانی نقش توهم توطئه و تأثیر آن بر...

ناسیونالیست‌های افراطی، محافظه کاران راست گرا، چپ‌های افراطی، اقلیت‌های قومی و نژادی و افرادی که به دلایلی از تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی عاجز و ناتوانند، دیده می‌شود (شاملو، ۱۳۶۴: ۲۷۰).

۳-۲- خاستگاه جامعه‌شناختی توطئه باوری

در این دیدگاه آنچه در درجه اول اهمیت دارد، شرایط بحرانی، نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی، تبعیض‌های نژادپرستانه، بروز اختلالات و مشکلات حاد در روال عادی زندگی و نظایر آن در جوامع مختلف است. در چنین برهه‌ها و دوره‌هایی که بحران جنگ، اقدامات تروریستی شدید و هرج‌ومرج در دنیا پیش آید، احساس نا امنی و اضطراب ناشی از چنین شرایطی و احساس خطر نسبت به تهدید دشمنان و بیگانگان افراد را به طور طبیعی به ارائه تحلیل‌ها و تفسیرهای مبتنی بر توطئه باوری سوق می‌دهد (Pipes, 1998: 9).

۳-۳- خاستگاه سیاسی توطئه باوری

در این دیدگاه توطئه باوران و ارائه دهندگان تحلیل‌های مبتنی بر توطئه باوری به طور آگاهانه و عمدی از این ابزار برای رسیدن به مقاصد و اهداف سیاسی خود استفاده می‌کنند. توضیح اینکه سیاستمداران با ایجاد دشمن فرضی و تبلیغات گسترده در این باره و مقصر جلوه دادن آن در ارتباط با حوادث و مشکلات و ارائه انواع تفسیرهای مبتنی بر توطئه‌ها و دسیسه‌ها دشمنان سعی می‌کنند در جامعه همبستگی اجتماعی و سیاسی ایجاد کنند، یا برای سرپوش گذاشتن به مشکلات خویش اذهان را به سوی دیگران منحرف سازند (Ibid: 191).

۴- دسته چهارم سازه‌های دانش در شکل‌گیری گفتمان توهم توطئه

دسته چهارم عامل ایجاد دانایی و سازه‌های دانش در شکل‌گیری گفتمان توهم توطئه ابتدا در آثار برخی از نویسندگان اجتماعی و سیاسی تاریخ معاصر و سپس در آرا و عقاید برخی از گروه‌ها و جناح‌های موجود سیاسی مانند چپ‌گراها، ملی‌گراها و سلطنت طلبان، مفصل بندی می‌گردند. توطئه باوری را باید چاشنی و نکته اصلی این وجه از سازه‌های دانایی دانست که مساهمت آنان منجر به تقویت توطئه باوری در فرهنگ سیاسی ایران شده است. وجه تمایز این طیف از سازه‌های دانش در تولید قدرت برای گفتمان توهم آن است که برخی دست انگلستان را

در ایجاد توهم برجسته ساخته‌اند و برخی هم دست روسیه را. در این میان از آثاری چون، رمان دایی جان ناپلئون اثر ایرج پزشک زاد، کتاب دست پنهان انگلیس اثر خان ملک ساسانی، کتاب هشت جلدی تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، اثر محمود محمود، کتاب حقوق‌بگیران انگلستان در ایران اثر اسماعیل رایین، کتاب چهره حقیقی مصدق السلطنه اثر حسن آیت، وصیت‌نامه پطر کبیر و خاطرات لاهوتی و نیز انعکاس سنت اساطیری در برخی از آثار تاریخی و ادبی، نقش قابل ملاحظه‌ای را در ترویج گفتمان توطئه ایفاء کرده‌اند. ضمن آنکه برخی از گروه‌ها و جناح‌های موجود در موضع‌گیری‌های خود آن هم در بستر تحولات سیاسی و اجتماعی تاریخ معاصر ایران، به گونه‌ای غیر واقع‌بینانه خود را مروج فرهنگ توهم توطئه نشان داده‌اند.

د) سازه‌های دانش مربوط آثار نویسندگان اجتماعی و سیاسی تاریخ معاصر

۱- رمان دایی جان ناپلئون، اثر ایرج پزشک زاد

این رمان در فرهنگ سیاسی ایران، نماینده توطئه انگلیسی و دخیل دانستن دست پنهان انگلستان در همه امور قلمداد شده است. اگر چه این رمان را ایرج پزشک زاد در رد و نقد فرهنگ توهم توطئه به نگارش و سپس در قالب فیلمی به اکران در آورده است، اما این اثر در برخی موارد آن هم با سو برداشت‌ها از محتوای کتاب و فیلم، مکانیسمی برای تقویت توهم گردید. داستان رمان، درباره یک خانواده اشرافی و آریستوکرات است و از قرار معلوم انعکاس دهنده دیدگاه اشرافیت در تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی است. شخصیت اصلی داستان شخصی از خانواده اشرافی است که باز نشسته ژاندارمری است که خود را ناپلئون می‌پندارد و بین زندگی خود و این قهرمان فرانسوی شباهت‌های بسیاری احساس می‌کند. شخصیت داستان بنا به روایت پزشک زاد، دارای احساسات ملی‌گرایی موهوم و شخصیت عجیبی است. نکته در خور توجه درباره او اینکه هرچند این دایی جان، ادعاهای ملی‌گرایی دارد، اما برای خود اسم و نام خارجی انتخاب کرده و با چنین هویتی با دشمنان خارجی مملکت خود یعنی انگلیسی‌ها آن هم در عالم تخیل، در نبرد است و بد گمانی و سوظن شدیدی نسبت به آنان دارد. در قسمتی از رمان، او به امید اینکه از تعرض و غضب انگلیسی‌ها نجات یابد، نامه‌ای به هیتلر می‌نویسد و از او تقاضای کمک در جهت محافظت و مراقبت از خویش می‌کند. دایی جان ناپلئون تمامی وقایع و حوادث کوچک و بزرگی را که به وقوع می‌پیوندد، ناشی از دست پنهان و

دخالت انگلیس‌ها می‌داند. او در نگرش توطئه‌پندارانه خود، آن چنان افراطی است که حتی به اعضای نزدیک خانواده خود ظنین است و آنها را ایادی انگلستان می‌پندارد. این گونه نگرش پارانویدی به نقش انگلستان در امور مختلف، بازتابی از واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی موجود در فرهنگ سیاسی معاصر ایران است (پزشکزاد، ۱۳۵۵).

۲- کتاب دست پنهان انگلستان نوشته خان ملک ساسانی

خان ملک ساسانی کتاب خود را با این فرضیه آغاز کرده است که چون ایران زمان نادر شاه دارای یک صد هزار سکنه بود، اسباب وحشت کمپانی هند را به وجود آورد. لذا دولت انگلستان با یک برنامه معین و مرتب، در صدد تجزیه ایران بر آمد. بخش عمده این کتاب در باره توطئه‌های پی در پی انگلستان برای تجزیه ایران است. خان ملک ساسانی حتی در تاریخ نگاری‌های خود، به توطئه انگلیسی‌ها توجه دارد برای نمونه او، ماجرای قتل الکساندر گریبایدف وزیر مختار روس در ایران، اشغال بحرین به دست ترکان عثمانی، اشغال گرگان از سوی ترکمن‌ها، اشغال سیستان از سوی افغانه، تحریک آقاخان برای تجزیه کرمان، سیستان و بلوچستان، تحریک محمد تقی خان چهار لنگ برای تجزیه بختیاری و استان خوزستان، قتل قائم مقام و امیر کبیر، به توپ بستن حرم امام رضا(ع) در مشهد از جانب روس‌ها و ظهور بابیه و دخالت آنان در مذهب را به گردن انگلیسی‌ها می‌اندازد. خان ملک ساسانی طی آماری گزارش می‌دهد که هر خانواده ای که افراد آن طی یک صد سال اخیر بدون وقفه در مصدر کار بودند، همه از ایادی و خادمان انگلیس محسوب می‌شوند. به نظر نویسنده، سفارت انگلیس در برخورد با رجال سیاسی از شیوه پاداش و مجازات استفاده می‌کرده است، به این معنی که کسانی را که بر خلاف سیاست انگلستان عمل می‌کردند، تنبیه و مجازات می‌شدند و کسانی که خدمات شایسته ای انجام می‌دادند، پاداش یا حقوق ماهیانه دریافت می‌کردند (ساسانی، ۱۳۶۲: ۵).

۳- حقوق بگیران انگلستان اثر اسماعیل رایین

در این کتاب رایین ضمن بررسی ضمنی از روابط ایران و انگلستان، به نکاتی اشاره می‌کند که این روابط مآلاً می‌تواند منجر به غالب شدن فرهنگ انگلیسی گردد. به باور نویسنده مهم‌ترین نشانگان این فرهنگ، کسب منافع اقتصادی است که به دنبال خود، مقاصد دیگری

را هم به دنبال دارد به این معنی که سر رشته همه امور در حیطه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی به دست آنان رقم خواهد خورد (رائین، ۱۳۶۵).

۴- کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم اثر محمود محمود

محمود محمود در این کتاب هشت جلدی، دست پنهان انگلستان در ایران را با استفاده از برخی منابع خارجی به تفصیل بیان می‌کند. محمود در این کتاب می‌گوید که ایران عهد نادر شاه و آقا محمد خان، دارای همه چیز بود. مردم تا اواخر قرن نوزدهم در رفاه بودند و هرکس حد خود را در سلسله مراتب نظام اجتماعی می‌شناخت و از آن تجاوز نمی‌کرد. انگلستان که اساساً بد خواه ایران بود، از روس‌ها برای خوار و ذلیل کردن ایران سود جست و تمام اقدامات آنها را از پشت پرده هدایت می‌کرد. محمود بر این اعتقاد است که از جنگ‌های ایران و روس، عهد نامه گلستان و ترکمنچای تا تاسیس قزاقخانه و بانک استقراضی و اشغال خاک ایران و کشتار مردم، زیر سر انگلیسی‌ها بود. نویسنده بر این عقیده است که مشروطه را انگلیسی‌ها به راه انداختند تا راه انعقاد قرارداد ۱۳۰۷ را هموار نمایند. انگلیسی‌ها ناصرالدین شاه را کشتند تا مظفرالدین شاه علیل و پیر و فرسود را به جانشینی او بنشانند. محمد علی شاه را بر داشتند تا یک طفل نارس، تاج و تخت ایران را تصاحب کند (محمود، ۱۳۳۳: ۲۱۴۱).

۵- کتاب چهره حقیقی مصدق السلطنه اثر حسن آیت

در این کتاب حسن آیت بر این اعتقاد است که مصدق نه تنها ناسیونالیست نبود، بلکه جز تأمین منافع قدرت‌های بیگانه، اقدامی نکرد. وی در این باره می‌نویسد، بی شک مصدق یکی از مهره‌های مستحکم قدرت‌های بیگانه در یک صد سال اخیر ایران است. توطئه ۲۸ مرداد، شکست نهضت و قیام ملت ما بود نه سقوط مصدق. مصدق در این میان، وظیفه خود را انجام داد و امپریالیسم هم بسیار به او ارج گذاشت. به باور آیت، مانع اصلی خدمت مصدق به مردم، پیوند او با انگلیسی‌ها بود. او به روابط مصدق با آمریکا در ایران هم اشاره می‌کند و مدعی بود که مصدق مسوول دخالت‌های آمریکا در ایران است. او در بررسی نقش مصدق در ملی شدن صنعت نفت مدعی بود که مصدق قهرمان ملی شدن نفت نبود، بلکه خیلی دیر وارد این ماجرا شد. به باور نویسنده، اکثریت قریب به اتفاق مجلس چهاردهم از عوامل استعمار انگلستان

تشکیل شده بود که نقش آن در کنار زدن رقبای جدید یعنی آمریکا و شوروی خلاصه شده بود (آیت، ۱۳۶۰: ۲۷).

۶- وصیت‌نامه پطر کبیر

اغلب ایرانیان مطامع استعماری روسیه تزاری و اتحاد شوروی در ایران را به وصیت‌نامه پطر کبیر نسبت می‌دهند. این وصیت‌نامه را مهاجران لهستانی در پاریس به سال ۱۹۷۵ جعل کردند تا افکار عمومی فرانسویان را علیه روسیه تزاری که مطامع استعماری در لهستان داشتند، را بر انگیزند و متحدینی را برای خویش دست و پا کنند. این سند جعلی از روی تصادف روی میز تحریر سفیر روسیه در پاریس دیده شد. این وصیت‌نامه، سیاست پنهانی روسیه را همواره معطوف به دو هدف دانسته است: اول سلطه بر اروپا و دوم دستیابی به آب‌های گرم خلیج فارس از راه تسلط بر ایران. این وصیت‌نامه توسط لرد کرزن و دانشجویان ایرانی در اروپا و سفارت انگلیس در ایران موجب توهّم توطئه روسیه برای تسلط بر ایران شد (فتاحی، ۱۳۸۲: ۹۳).

گفته شده است که با انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و معاهده ۱۹۲۱ ایران و شوروی، احساسات ضد روسی در ایران برای مدتی آرام گرفت. اما با تلاش استالین در سال ۱۳۲۴ برای الحاق آذربایجان و کردستان به قلمرو شوروی، موضوع وصیت‌نامه پطر کبیر از نو زنده شد. در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ که حزب توده نفوذ قابل ملاحظه‌ای در ایران پیدا کرده بود، سازمان سیا خاطرات ساختگی لاهوتی را تألیف و منتشر کرد تا خطر وصیت‌نامه پطر کبیر را در اذهان مردم شایع کند. این کتاب را ویلبر مشاور سازمان سیا به همکاری یک نویسنده ایرانی تألیف کرد و در واشنگتن به چاپ رسانید. ویلبر فکر کرد که لاهوتی می‌تواند ریاست جمهوری دولت دست‌نشانده شوروی در ایران را بر عهده بگیرد. این اقدامات سوء ظن ایرانیان نسبت به شوروی را زیاد کرد (فتاحی، ۱۳۸۲: ۹۴).

۷- خاطرات لاهوتی

خاطرات لاهوتی یکی از نمونه‌های تاریخی توطئه پردازی است که به وسیله روزنامه‌های وابسته به شبکه بدامن در کشور منتشر می‌شد. مقامات شوروی، ابوالقاسم لاهوتی را برای جمهوری سوسیالیستی ایران تعیین کرده بودند. در ماجرای ملی شدن نفت هم، توطئه روس‌ها یک بار دیگر چربید و مصدق را ابتدا عامل انگلستان و سپس سر سپرده آمریکا نامیدند

(Adventures, 1986: 191).. با انقلاب اسلامی، وصیت نامه پطر کبیر مورد توجه قرار گرفت و بسیاری از ایرانیان، سرنگونی رژیم شاه، هجوم شوروی به افغانستان، اشغال سفارت آمریکا در تهران را ناشی از توطئه هماهنگ و یکپارچه دولت شوروی به منظور تحقق وصیت نامه پطر کبیر دانستند.

۸- سنت اساطیری

این سنت ریشه در فرهنگ باستان دارد. هنگامی که ایران در میان جهان از شرق و غرب جدا می شود، همراه این جدایی، اساطیر ایران و انیران زاده می شود. در این زمان هویت ایرانی با پادشاهی ایرج در برابر هویت غرب تعریف می شود. در این سنت گفته می شود که دشمنان ایران با آنکه خرد ورزند، اما با نیروهای اهریمنی پیوند دارند و در صدد تدارک توطئه ای علیه سرزمین اهورایی هستند. در این سنت، ایران همزمان با انیران زاده می شود به این معنی که این سرزمین اهورایی از همان روز نخست، هدف توطئه بیگانگان قرار گرفته است (خالقی مطلق، ۱۳۶۶: ۱۲۵-۱۰۶).

ه) سازه های دانش مربوط به گروه ها و جناح های موجود سیاسی

برخی از عوامل ایجاد دانایی و سازه های دانش در آرا و عقاید برخی از گروه ها و جناح های موجود سیاسی مانند چپ گراها، ملی گراها و سلطنت طلبان، و سایر جریان های سیاسی در ایران معاصر انعکاس یافته که منجر به تولید قدرت برای گفتمان توهم توطئه شده است.

۱- چپ گراها

از گروه های چپ گرا مانند حزب توده در ایران ادبیاتی را می توان درباره توهم توطئه یافت. ثقل مرکز حزب توده در ترویج توطئه باوری، انگلستان و پدیده آنگلو فوبیا، جبهه ملی و مصدق را نشانه رفته بود. به باور حزب توده سر رشته تمام تحولات ایران، همگی از آبخوری مثل رودخانه تایمز لندن سیراب می شوند. احمد اشرف در این زمینه می گوید، برخی از تئوری های توهم توطئه مربوط به مردان وجیه المله ای است که در ظاهر بر ضد منافع انگلستان عمل می کنند، اما نعل وارونه می زنند و همچون عروسک های خیمه شب بازی، سر نخشان در دست پنهان انگلستان است (ذاکر، ۱۳۶۰: ۲۹۱).

همچنین ادبیات مربوط به گفتمان توهم توطئه در نشریات حزب توده انعکاس یافت. در این راستا، روزنامه‌هایی چون: شهپاز، به سوی آینده، نوید آزادی، جوانان دموکرات و مجله‌های صلح، کبوتر صلح، چلنگر، دژ، جرس، قوس و قزح، رنگین کمان، شجاعت، بانگ مردم، رنج و گنج، سرود فردا، دنیای امروز و ایران ما در حکم تریبونی برای ترویج ادبیات توطئه باوری برای حزب توده عمل کرده‌اند. مثلاً روزنامه به سوی آینده حزب توده، از جبهه ملی به عوام فریبان یاد کرده است و بر این باور بود که عوام فریبان آخرین تیر ترکش استعمارند و دکتر مصدق نماینده آن گروه است. در باور حزب توده، جبهه ملی جریان است وابسته به بورژوازی و ملاکین لیبرال. یا اینکه جبهه ملی لنگری است که در پس آن دشمنان عوام فریب خلق و دزدان و غارتگران قرار دارند. یا اینکه این روزنامه‌ها، جبهه ملی را ایادی استعمار، جبهه امپریالیستی، ضد ملی و عامل استعمار معرفی کرده‌اند. در همین راستا حزب توده معتقد بود که زمانی که قرارداد گس-گلشائیان آن هم به نام استیفای حقوق ملت ایران مطرح بود، این ماجرا همچون نمایشی خیمه شب بازی بود که به وسیله شرکت نفت بازی شد. در مجموع در این روزنامه‌ها حملات سختی به جبهه ملی شده است و عباراتی از قبیل: جبهه مفتضح ملی، مزدوران استعمار، دسته سازشکار ملی و اینکه جبهه ملی به درجه پست‌ترین دشمنان ملت تنزل پیدا کرده است، اظهار شده است (ذاکر، ۱۳۶۰: ۲۹۲).

۲- ملی‌گراها

این طیف را طرفداران جبهه ملی و مصدق تشکیل می‌دهند. ثقل مرکز توجه ملی‌گرایان در ترویج توطئه باوری، ابتدا متوجه روسیه و سپس انگلستان است. کتاب پروژه‌های سیاسی در صحنه ایران اثر حسین ملک مهم‌ترین اثری است که بر ایجاد توطئه از سوی روسیه تأکید می‌کند. حسین ملک در این کتاب به توطئه‌های روسیه اشاره می‌کند که برای نابودی ایران شکل گرفته است. او معتقد است که حزب توده، فدائیان خلق، مجاهدین خلق، جز عاملان و ایادی شوروی هستند. حسین ملک در همین کتاب نیز از انگلستان به عنوان عاملی برای ایجاد توطئه یاد می‌کند. حسین ملک درباره نقش انگلستان در ایجاد توطئه بر این باور است که انگلستان از طریق بهائیت و فراماسونری، توطئه خود را به مرحله اجرا گذاشت. آمریکا نیز از طریق همین فراماسونرها توانست نقشه‌های خود را عملی سازد. به باور ملک، حزب توده محصول مشترک انگلستان و روسیه است (غفاری هاشجین، ۱۳۸۴: ۸۲-۸۱).

توطئه باوری در کلام مصدق به عنوان رهبر جبهه ملی نیز انعکاس یافته است. برای نمونه او از تاسیس راه آهن سراسری ایران به دست رضا شاه به عنوان توطئه انگلیسی یاد می‌کند. مصدق در یکی از نطق‌های خود در مجلس چهاردهم یاد می‌کند که دیکتاتور با پول ما به ضرر ما راه آهن کشید و بیست سال برای متفقین امروز ما، تدارک مهمات دید. گفته شده است که مصدق در بحبوحه جریان ملی شدن نفت و درگیری‌های ایران و انگلستان، وقتی بانک جهانی برای میانجی‌گری دو نماینده به تهران فرستاد و پیشنهادی برای نحوه تولید و صادرات نفت ایران ارائه کرد، سوء ظن مصدق در این برهه از زمان نسبت به انگلیسی‌ها آن چنان زیاد شد که بانک جهانی را عامل امپریالیسم انگلستان قلمداد کرد و پیشنهاد بانک مزبور را رد نمود (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۲۲۰).

از دیگر مضامین توطئه باوری محمد مصدق و یاران او، بزرگنمایی و تبلیغات زیاد آنان در باره خطر کودتای کمونیستی و تهاجم شوروی به ایران است. در روزنامه ملی‌گرایان، واژه‌ها و اصطلاحاتی مانند جاسوس، اجنبی پرست، خائن و نوکر دیده می‌شود. ریچارد کاتم می‌نویسد: اگر کسی روزنامه‌های راست‌گرایان یا کمونیست‌های آن دوره را می‌خوانده، به این نتیجه می‌رسید که همه ناسیونالیست‌ها به دستور مخفی بریتانیا برای آمریکا کار می‌کرده‌اند (غفاری هسجین، ۱۳۸۴: ۸۴).

خلیل ملکی هم از اعضای جبهه ملی که بیش از این به حزب توده تعلق داشت، با انتشار سلسله مقالاتی در روزنامه شاهد به نقد روحیه توطئه باوری از جانب حزب توده در جامعه ایران پرداخته است. او در این مقالات، تأثیر عقده حقارت ناشی از ذهنیت معطوف به توطئه را در افراد بیان می‌کند. خلیل ملکی می‌گوید: همین توطئه باوری سبب شده بود که حزب توده پیشرفتی نکند و لذا به همین دلیل بود که آنان هوادار سیاست موازنه مثبت بودند، یعنی عقیده داشتند به موازات امتیازاتی که امپریالیسم انگلستان در ایران دارد، باید امتیازاتی به شوروی داده شود (ملکی، ۱۳۷۶: ۱۱-۱۲).

۳- سلطنت طلبان

سلطنت طلبان بیشتر از هر گروه و جناح‌های سیاسی دیگر به توهم توطئه علاقه نشان داده‌اند. در این میان شخص خود شاه و اعضای خانواده سلطنتی و برخی مقامات رژیم پیشین معتقد به تز توهم توطئه بودند. سلطنت طلبان معمولاً غرب، بالاخص آمریکا و انگلیس را متهم

به خالی نمودن زیر پای شاه می‌کنند. البته اقلیت کوچکی پای شرق و شوروی سابق را نیز به میان می‌کشند. در این راستا برخی باورشان بر این است که انگلستان می‌خواست از شاه به خاطر نزدیک شدنش به آمریکا از فردای کودتای مرداد ۱۳۳۲ انتقام بگیرد. برخی دیگر می‌گویند که غرب می‌خواست شاه را به سبب نقشش در افزایش قیمت نفت، تنبیه کند. شمار بیشتری استدلالشان بر آن است که ایران در سال‌های آخر رژیم سریعاً به سمت پیشرفت و صنعتی شدن حرکت می‌نمود، بنابراین غرب که بازارهای خود را در خطر می‌دید، رژیم شاه را واژگون کرد تا از به وجود آمدن ژاپن دومی در خاورمیانه جلوگیری کند. برخی هم پای اسرائیل را به میان می‌کشند، در این زمینه گفته شده است که ارتش ایران قبل از انقلاب می‌رفت که تا پنجمین نیروی نظامی بزرگ در دنیا شود. چنین ارتشی می‌توانست برای رژیم صهیونیستی خطر بالقوه‌ای شود و ممکن بود در اثر کودتا، سرهنگی چون قذافی و عبدالناصری در ایران به قدرت می‌رسید، تا خطری را متوجه اسرائیل کند و بالاخره نظر دیگری معتقد است که ایران قربانی بده‌بستان دو ابر قدرت شد، به این معنی که آمریکا ایران را داد تا در جای دیگر از شوروی امتیاز بگیرد (غفاری هشجین، ۱۳۸۴: ۸۶).

در میان گروه سلطنت طلبان، شاه مصداق بارز باورمندی به توهم توطئه بود. به گونه‌ای که او در طول سی و هفت سال سلطنت خود به خصوص در دو دهه آخر، هر مخالفی را آلت دست خارجی‌ها می‌دانست. برای نمونه شاه مخالفین چپ خود را مرتبط با کمونیسم بین‌الملل یا ارتجاع سرخ می‌پنداشت. ملیون را وابسته به انگلستان و آمریکا و مذهب‌یون را عوامل مصر، سوریه، عراق و این اواخر لیبی می‌دانست. باور و اعتقاد شاه به توهم توطئه مورد تایید سفرای آمریکا و انگلستان در ایران سفرایی چون: ویلیام سولیوان و ژنرال‌هایزر و آنتونی پارسونز در دوران انقلاب اسلامی نیز قرار گرفته است. این سفرای در خاطرات خود نوشته‌اند که ما همیشه در ملاقات با شاه به این سؤال او مبنی بر آنکه چرا سیاست دولت‌های متبوع شما در باره من عوض شده است؟ عادت کرده بودیم و همیشه این سؤال را از ما می‌پرسید. گفته شده است که شاه همیشه و مشخصاً تا سال ۱۳۵۹، برنامه ریزی غربی‌ها و خارجی‌ها را عامل سقوط خود معرفی می‌کند. او در مصاحبه‌ای که با یکی از مجله‌های انگلیسی زبان (ناو) داشت، اظهار نمود که: «دیدید که چگونه آمریکایی‌ها مرا سرنگون کرده‌اند» (زیبا کلام، ۱۳۸۷: ۶۲-۶۰). افراد دیگری چون شاپور بختیار، اشرف خواهر دوقلوی شاه، محمد جعفر بهبهانی و داریوش همایون و ارتشبد حسین فردوست در گروه سلطنت طلبان، معتقد به توطئه باوری بودند. مثلاً بختیار و

اشرف به نقش آمریکا و انگلستان در سقوط شاه اشاره داشتند. بختیار در کتاب یکرنگی که در پیرامون انقلاب اسلامی به نگارش در آمده است، آمریکا را متهم به سازش با شاه نموده است. بهبهانی رئیس حسابداری وزارت نیز، نقش انگلستان را در سقوط شاه برجسته دانسته است و داریوش همایون بر این باور بود که شاه قربانی بده بستان آمریکا و شوروی شده است. ارتشبرد فردوست رئیس دفتر بازرسی شاه، به نقش زایدالوصف انگلستان در تحولات سیاسی تاریخ معاصر اشاره می‌کند و تشکیلات فراماسونری در ایران را به این کشور، نسبت می‌دهد (غفاری هسجین، ۱۳۸۴: ۸۹).

گفتار سوم: گفتمان نگاه به درون در توسعه‌نیافتگی سیاسی

گفته شده است که مفهوم غیریت یا ضدیت^۱ یکی از مؤلفه‌های اصلی در روش تحلیل گفتمان است. در این راستا ایجاد و تجربه ضدیت‌ای اجتماعی در تحلیل گفتمان ناظر بر سه جنبه می‌باشد. نخست این که ایجاد یک رابطه خصمانه که منجر به تولید یک دشمن یا دیگری می‌شود، برای تاسیس مرزهای سیاسی امری حیاتی به نظر می‌رسد. دوم آنکه شکل‌گیری روابط خصمانه و تثبیت مرزهای سیاسی امری محوری برای تثبیت بخشی از هویت صورت بندی‌های گفتمانی و کارگزاران اجتماعی است و سوم اینکه تجربه ضدیت نمونه‌ای است که بر قرار بودن هویت را نشان می‌دهد. بر اساس نظریه گفتمان کسب یک نوع هویت کامل و مثبت توسط کارگزاران و گروه‌ها امری غیرممکن است. از این رو که نظریه گفتمان با جوهر گرایی و ذات گرایی سر سازگاری ندارد، این حضور دیگری است که می‌تواند در شکل دادن هویت موثر افتد. لاکولاو و موفه این مساله را منطق تفاوت می‌نامند و اساس آن را بر جدا سازی خشونت آمیز نیروهایی می‌دانند که در مقابل تلاش‌های الحاق، مقاومت می‌کنند.

با توجه به مؤلفه غیریت و ضدیت در روش تحلیل گفتمان، غیریت گفتمان توهم توطئه در توسعه‌نیافتگی سیاسی، گفتمان نگاه به درون و خویشتن است که بی شک همین گفتمان نقش زایدالوصفی را در توسعه‌نیافتگی سیاسی بازی کرده است نه گفتمان توهم توطئه. نظر به اینکه گفتمان نگاه به خویشتن و درون، نقش توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران معاصر را عهده دار بوده است، مؤلفه‌های این گفتمان در دو دسته شکلی تحت عنوان موانع ذهنی و موانع ساختاری

1 - Other

قابل مفصل بندی‌اند. البته هر یک از این دو دسته موانع دال‌های شناوری را حول محور دال مرکزی که توسعه‌نیافتگی سیاسی است، جمع ساخته و شکل مفصل بندی شده به آن داده‌اند.

الف) موانع ذهنی گفتمان نگاه به درون در توسعه‌نیافتگی سیاسی

موانع ذهنی گفتمان نگاه به درون در توسعه‌نیافتگی سیاسی را می‌توان در مؤلفه‌هایی زیر مفصل بندی کرد:

۱) فرهنگ سیاسی ناسالم با شاخصه‌هایی چون: فرهنگ سیاسی آمریت، فرهنگ سیاسی تابعیت، قانون‌گریزی، ترس از قدرت، انقیاد طلبی، تقلید و خرد ناورزی و اسطوره سازی و اسطوره شکنی، ۲) ضعف عقلانیت، ۳) ضعف تحول علمی و پژوهشی، ۴) دموکراسی ضعیف، ۵) فقدان آزادی اقتصادی، ۶) فقدان نگرش حقوقی به انسان (علمداری، ۱۳۸۷).

ب) موانع ساختاری گفتمان نگاه به درون در توسعه‌نیافتگی سیاسی

موانع ساختاری گفتمان نگاه به درون در توسعه‌نیافتگی سیاسی را می‌توان در مؤلفه‌هایی زیر مفصل بندی کرد:

۱) ساختار نظام سیاسی متصلب و یک جانبه، ۲) ساختار نظام اقتصادی ناسالم، ۳) ساختار غیرهمگن نظام اجتماعی و فرهنگی، ۴) تداخل کارکردی ساختارهای نهادی (علمداری، ۱۳۸۷).

نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر نقش توهم توطئه در توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران معاصر بر اساس روش تحلیل گفتمان مورد بررسی قرار گرفت. در تعریفی که از توسعه سیاسی به عمل آمد، توسعه سیاسی با همه دال‌های شناور خود بر روی دال مرکزی توسعه که همان فرهنگ سیاسی است، متمرکز شده است. دال‌های شناور قرار گرفته بر دال مرکزی توسعه سیاسی را دال‌هایی چون: نهادی کردن تشکل، مشارکت سیاسی، توانمندی یک نظام سیاسی، فرهنگ سیاسی سالم، کارآیی، ظرفیت‌های نظام سیاسی، پیشی گرفتن الگوهای رفتاری نوین بر الگوهای سنتی در رفتار سیاسی، دموکراسی و مؤلفه‌های آن مانند نظام‌های چند حزبی، رقابت‌های انتخاباتی، ثبات سیاسی و پرهیز از تنش در ساختار سیاسی و گسترش جامعه مدنی، فقدان مؤلفه‌های

فرهنگ سیاسی ناسالم (مؤلفه‌هایی مانند: فرهنگ آمریت و تابعیت، قانون گریزی، ترس از قدرت، انقیاد طلبی، تقلید و خرد ناورزی، اسطوره سازی و اسطوره شکنی، دموکراسی ضعیف، عدم آزادی اقتصادی، نظام سیاسی اقتدارگرا و عدم انفکاک ساختاری) و عدم بحران‌های نظام سیاسی مورد نظر پای (مشارکت، مشروعیت، کارآمدی، نفوذ، توزیع) تشکیل می‌دهند. توهم توطئه که وقایع و حوادث مختلف را با توجه به یک عامل عمده یعنی توطئه، تجزیه و تحلیل می‌کند، به وسیله دال‌های شناور و مرکزی خود و سپس سازه‌های دانایی خود قابلیت گفتمانی می‌یابد و فرهنگ سالم سیاسی را که علت اصلی و اساسی توسعه‌یافتگی سیاسی است، حذف می‌کند و به عنوان یک فرهنگ مسلط نوظهور، وضعیت هژمونیک به خود می‌گیرد.

در این میان باید از مقولاتی چون: ترادفات توهم توطئه، ترادفاتی چون: (طرح پنهانی توطئه چینی، تبانی، دسیسه، گروه توطئه‌گر، سبک پارانویدی، توطئه اندیشی یا توطئه باوری، ذهنیت توطئه اندیش، دست پنهان، توطئه گرایی و گفتمان دایی جان ناپلئون، عمال خارجی، جاسوس، خطر بیگانگان، دشمن، خائن، سرسپرده، وابسته، اسرار، مهره، نقشه، عروسک، آلت دست، پشت پرده، پشت صحنه، نوکران استعمار، امپریالیسم، ستون پنجم، عوامل نفوذی، روباه مکار، دست پنهان، مزدور، بیگانه، کار کار انگلیس است، دست انگلیسی‌ها و...)، انواع توطئه، خصوصیات توطئه‌گران به‌عنوان دال‌های شناور نام برد که حول محور دال مرکزی که همان اهداف توطئه باوری یعنی توجیه ضعف‌های داخلی و کاستن از انتقادات، ساده کردن تحلیل مسایل و ایجاد حالت اقناع، ایجاد نفرت روانی از مخالفین و رقبا می‌باشد، قرار گرفته‌اند. وجود چهار دسته عوامل و سازه‌ها دانش هم برای توهم توطئه ایجاد دانایی و سپس تولید قدرت کرده‌اند تا گفتمان توهم توطئه وضعیت هژمونیک به خود بگیرد و تولید قدرت نماید. در این میان، دسته اول عامل ایجاد دانایی و سازه‌های دانش مربوط به آثار نظریه پردازان توهم توطئه است که فرهنگ سیاسی کشورهای جهان سوم قادر نبوده‌اند از جاذبه تأثیر آن در توجیه توسعه‌نیافتگی سیاسی دور بمانند. دسته دوم عامل ایجاد دانایی مربوط به مثلث ایجاد توطئه (امپریالیست‌ها، صهیونیست‌ها و فراماسونرها) است. دسته سوم عامل ایجاد دانایی مربوط به خاستگاه‌های توطئه باوری (روانشناختی، جامعه‌شناختی و سیاسی) دانست. دسته چهارم عامل ایجاد دانایی مربوط به آثار نویسندگان داخلی در طول تاریخ سیاسی اجتماعی ایران معاصر است که مبنای سازه دانایی و تولید قدرت در گفتمان توهم توطئه آن هم برای هدف قرار دادن و تخریب فرهنگ سیاسی شده است. بنابراین سازه‌های ایجاد دانش و تولید قدرت با تجمیع این

عوامل و سازه‌های دانش مربوط به آنان تمهید یافته است و بی شک گفتمان توهم توطئه را باید برآیند منطقی آن دانست. وجود این گونه دال‌ها مفصل بندی شده در کنار سازه‌های دانایی که تولید قدرت می‌کنند، به توهم توطئه خصلت گفتمانی داده و عاملی برای توسعه نیافتگی سیاسی است. حال آنکه علت اصلی توسعه نیافتگی سیاسی به عنوان غیریت همان گفتمان نگاه به خویشتن و درون بوده است که با دال‌های مربوط به خود و سازه‌های دانش از جمله موانع ذهنی گفتمان نگاه به درون مانند: فرهنگ سیاسی ناسالم با شاخصه‌هایی چون: فرهنگ سیاسی آمریت، فرهنگ سیاسی تابعیت، قانون گریزی، ترس از قدرت، انقیاد طلبی، تقلید و خرد ناورزی و اسطوره سازی و اسطوره شکنی، فقدان عقلانیت، ضعف تحول علمی و پژوهشی، دموکراسی ضعیف، فقدان آزادی اقتصادی، فقدان نگرش حقوقی به انسان؛ و نیز موانع ساختاری گفتمان نگاه به درون مانند: ساختار نظام سیاسی متصلب و یک جانبه، ساختار نظام اقتصادی ناسالم، ساختار غیر همگن نظام اجتماعی و فرهنگی، تداخل کار کردی ساختارهای نهادی، توسعه نیافتگی سیاسی ایران معاصر را فراهم کرده است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آیت، حسن (۱۳۶۰). *چهره حقیقی مصدق السلطنه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵). *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*. تهران: قومس.
- اسکلار، هالی (۱۳۶۹). *سه جانبه خواهی: کمیسیون سه جانبه و برنامه ریزی نخبگان برای مدیریت جهان*، ترجمه عبدالرحمان عالم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پزشکزاد، ایرج (۱۳۵۵). *دایی جان ناپلئون*. تهران: صفی علی شاه.
- پوپر، کارل (۱۳۶۳). *حدس‌ها و ابطال‌ها*، ترجمه احمد آرام. تهران: نشر انتشار.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۸). *تاریخ جنبش‌ها و تکاپوی فراماسونری در کشورهای اسلامی*. تهران: آستان قدس رضوی.
- حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۳). «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۲۸.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۶۶). *شاهنامه*، دفتر یکم، نیویورک.
- رایین، اسماعیل (۱۳۶۴). *حقوق بگیران انگلستان در ایران*. تهران: جاوید.
- زیبا کلام، صادق (۱۳۷۸). *مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی*. تهران: نشر روزنه.

- زیبا کلام، صادق (۱۳۸۹). روزنامه شرق، ۲۵ شهریور.
- سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۳). قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در مطبوعات. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- دایان، مکدائل (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه حسینعلی نوذری. تهران: فرهنگ گفتمان.
- ذاکر، حسین (۱۳۶۰). مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گاری، آلن (۱۳۷۷). هیچ‌کس جرات ندارد آن را توطئه بنامد، ترجمه عبدالخلیل حاجتی. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- غفاری هاشجین، زاهد (۱۳۸۴). تئوری توطئه در فرهنگ سیاسی معاصر ایران. تهران: سروش.
- فتاحی، ابراهیم (۱۳۸۲). جستارهایی درباره تئوری توطئه در ایران. تهران: نشر نی.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۸). چالش‌های توسعه سیاسی. تهران: قومس.
- محمود، محمود (۱۳۳۳). تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم. تهران: اقبال.
- گارودی، روزبه (۱۳۶۴). ماجرای اسرائیل، صهیونیسم سیاسی، ترجمه منوچهر بیات مختاری. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ملکی، خلیل (۱۳۷۶). برخورد عقاید و آراء. تهران: نشر مرکز.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۶۸). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.
- هوارث، دیوید (۱۳۷۷). «نظریه گفتمان»، ترجمه سیدعلی اصغرسلطانی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲.

ب) منابع انگلیسی

- Carrette Jermey R., (2000). **Focault and Religion**. U.K: Routledge.
- Daniel, Pipes (1998). **The Hidden Hand: Middle East Fear of Conspiracy**. New York, Martin Press.
- Hofstadter, Richard (1965). **The Paranoid Style in American Politics and Other Essays**. New York: Prager.
- Laclau, Ernesto (1990). **New Reflections on the Revolution of Our Time**. New York: Routledge
- Pigden, Chrles (1993). **Revisited, or what is Wrong with Conspiracy Theories, Philosophy of the Social Sciences**. Vol. 5, No. 2.
- Robins, Robert, Post Jerrold. M., (1997). **Political Paranoia, the Psychopolitics of Hatred**. New Haven: Yale University Press.
- Zonis, Marvin (1994). **Conspiracy Thinking in the Middle East**, Political Psychology, Vol. 14(3)